



این عذر بدتر از گناه و حتی نادرست بود و رئیس قوه قضائیه هم پاسخ داد که: «ادعا می شود که برخی محکومان این پرونده صرفاً به سبب سهل انگاری و عدم نظارت، حکم محکومیت دریافت کرده اند! به هیچ وجه اینگونه نیست؛ مسائل مطرحه در پرونده به لحاظ حقوقی، متضمن عنوان مجرمانه هستند و ترک فعل ساده محسوب نمی شوند.»

هنوز از این ضربه سنگین رها نشده بودند که اظهارات مهم رهبری درباره دریافت گزارش پوچ و مهمل از دولت قبل ضربه نهایی و کاری را وارد کرد؛ به ویژه که معلوم شده است منشأ گزارش های پوچ و مهمل در دولت رئیسی همین تندرورها هستند. اخیراً فیلمی بازنشر شده که آقای جلیلی برای توجیه آقای رئیسی می گوید که: «هر یک میلیون تن تولیدات پتروشیمی ۲۰۰ هزار شغل ایجاد می کنند!» و مفاد آن موجب مضحکه کارشناسان شد، تمام اطلاعات این ویدئو مبتنی بر اطلاعات نادرست و مخدوش و غیرعقلانی است و البته اطلاعات آنان در همه زمینه ها از همین نوع است. بنده خدا آقای رئیسی را هم در بدو وضعی قرار دادند به طوری که بار کارهای آنان را هم باید تحمل می کرد. اکنون چند روزی است که گنجی این ضربه را رد نکرده اند و کلید این پروژه ضدوفاق شکسته شده است. فقط امیدواریم که دوباره دنبال کلید جدیدی نگردند.

ادامه از صفحه اول

کشورهای غربی تاکنون رفتار بسیار احتیاط آمیزی با دولت تحریر الشام داشته اند و امیدوارند که این دولت با فاصله گرفتن از گرایش های مذهبی و سیاسی افراطی خود، دولتی فراگیر و معتدل در سوریه تأسیس کند و با حذف جنگجویان جهادی از پیگر نظامی خود، ثبات و نظم را به سوریه برگرداند.

دولت تحت رهبری احمد الشرع به طور مشخص مورد حمایت قاطع ترکیه و شماری از کشورهای عرب است. دولت رجب طیب اردوغان از احتمال بی ثباتی سوریه تحت کنترل و اداره هیئت تحریر الشام به شدت اظهار نگرانی می کند و ظاهراً بر این باور است که جمهوری اسلامی و گروه های متحدش در عراق و لبنان، از طریق حمایت از کردها و علوی های سوریه در صدد متزلزل کردن دولت احمد الشرع هستند. از همین رو، هاگان فیدان، وزیر خارجه ترکیه که معمار اصلی تحولات پشت پرده سوریه در ماه های اخیر به شمار می رود، به صراحت ایران را به تلافی جویی تهدید کرده است. این در حالی است که ایران و حزب الله لبنان هرگونه دخالت خود را در ناآرامی های منطقه ساحل قویار رد کرده اند و ادعاهای مطرح شده در این باره را بی پایه و اساس و دانسته اند.

آنچه اما در این میان معادله را سخت پیچیده می کند، موضع اسرائیل در برابر دولت تحت رهبری هیئت تحریر الشام است. اعضای دولت بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل، در توصیف دولت احمد الشرع از واژه های بسیار تند و گزنده ای استفاده می کنند و آن را دولتی غیرمنتخب و تروریست و جنایتکار و تهدیدی علیه امنیت دولت عبری قلمداد می کنند. هم زمان اسرائیل از ابتدای به قدرت رسیدن هیئت تحریر الشام در سوریه، ضمن انهدام ابراهای تسلیحات استراتژیک و پایگاه های دریایی و هوایی آن کشور، به طور پیوسته دایره حضور و نفوذ خود را در جنوب سوریه گسترش داده و علاوه بر اشغال منطقه حائل، قلعه جبل الشیخ را هم به پایگاه دیدهبانی ارتش خود تبدیل کرده است.

افزون بر این، دولت نتانیاهو در هیئت مدافع اقلیت های قومی و مذهبی سوریه ظاهر شده و با تأکید بر ضرورت رعایت حقوق دروزی ها و علوی ها و مسیحی ها و کردها، بر لزوم غیرنظامی شدن سه استان قنبره، سویدا و درعادر بخش جنوبی سوریه اصرار می ورزد.

درحالی که دولت نتانیاهو هیچ حق و حقوقی برای مردم فلسطین در سرزمین مادری خود قائل نیست و در پی اخراج فلسطینی ها از نوار غزه و در صورت امکان از کرانه باختری است، دفاع قاطعانه و پرشور و حال آن از علوی ها و دروزی ها و کردها و مسیحی های سوریه از هر جهت ریاکارانه به نظر می رسد. در واقع، دولت اسرائیل تأمین امنیت دراز مدت خود را در سوریه مستلزم تبدیل این کشور به چند کانون سیاسی جدا از هم می بیند و دفاع از حقوق اقلیت های قومی و مذهبی را زمینه ای برای کمک به این منظور تصور می کند.

بر همین مبنا گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل، در محکومیت کشتار علوی ها در منطقه ساحلی سوریه شدیدترین الفاظ را به کار گرفته و برخلاف دولت های غربی، گروه هیئت تحریر الشام را مسئول کشتار دانسته است. ساعر در عین حال کشورهای اروپایی را به حمایت از اقلیت های مذهبی و قومی سوریه و محکوم کردن دولت احمد الشرع فرا خوانده است.

بدین ترتیب، اوضاع سوریه پیچیده تر از آن است که در ظاهر به نظر می رسد. این سرزمین عملاً به صحنه رقابت بین سازمان های امنیتی ترکیه و اسرائیل درآمده است. درحالی که هدف اصلی ترکیه تثبیت دولت هیئت تحریر الشام در سوریه است، اسرائیل دامن زدن به منازعات قومی و مذهبی در آن کشور و تبدیل سوریه به چند واحد مجزا را سود خود می داند.

این وضعیت قاعدتاً احتیاط بیشتری از جانب دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی را در برابر تحولات سوریه طلب می کند؛ به خصوص اینکه طرف های رقیب در آن کشور، میل خود را برای نسبت دادن هر اتفاقی بی ثبات کننده ای در آنجا به ایران و گروه های همسویش در منطقه پنهان نمی کنند.

آینده حزب الله پس از سیدحسن نصرالله چگونه است؟

حزب الله به راه سیدحسن و اصول خود و نقش مقاومتی و دیدگاه خود نسبت به وضعیت لبنان و منطقه پایبند است. البته تغییرات بزرگی در لبنان و منطقه رخ داده که باید مورد توجه قرار گیرد و حزب الله به شدت بر درک این تغییرات و تفکر در مورد نحوه مواجهه با آنها متمرکز است. نقش کاریزماتیک سیدحسن در رهبری حزب و اداره سازمان از نظر سیاسی و نظامی بسیار اساسی بود. اکنون با رهبری دبیر جدید شیخ نعیم قاسم، انتظار می رود که بیشتر به سمت نوع حزبی نهادگرا حرکت کنیم تا حزب رهبر محور. این رویه با اعتقادات دبیرکل جدید مطابقت دارد.

وقتی در مورد حزبی نهادگرا صحبت می کنیم، آیا این رویه در تمرکز بیشتر بر عرصه داخلی و تا حدودی تمرکز کمتر بر منطقه منعکس خواهد شد؟

موضوع حزب تحت رهبری یک رهبر و حزبی که بیشتر بر بُعد نهادی در تصمیم گیری تمرکز دارد، ربطی به تغییراتی که در منطقه و لبنان رخ داده است، ندارد. وقتی از تغییرات صحبت می کنیم، به صدور سند اجرایی قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل (آخرین توافقنامه آتش بس لبنان و اسرائیل) و تلاش های آمریکا برای تغییر شکل منطقه، به لبنان مربوط می شود. در خصوص لبنان، ما بر تعهد خود به قطعنامه ۱۷۰۱ و سند اقدامات اجرایی تأکید کرده ایم. ما کاملاً به تعهدات مربوط به جنوب رودخانه لیتانی متعهد هستیم و چون سند اجرایی مربوط به تبیین و اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ است، مرجع و محدوده جغرافیایی آن مشمول قطعنامه بین المللی ۱۷۰۱ است.

وقتی حزب الله بیشتر ماهیت نهادی داشته باشد، چه انتظاری می توانیم از آن داشته باشیم؟

حضور و تاثیر سیدحسن بسیار زیاد بود. وقتی او تصمیمی می گرفت، این تصمیم با توجه به نقش رهبری تاریخی او مورد استقبال همه قرار می گرفت. اکنون، دبیرکل جدید، شیخ نعیم قاسم، بیشتر طرفدار این است که نهادها نقش خود را در تصمیم گیری ایفا کنند. اکنون، ما بیشتر به سمت رهبری نهادی و جمعی حرکت کرده ایم و بر اساس بوروکراسی داخلی، نهاد های داخلی تصمیم می گیرند.

آیا حزب الله در حال تبدیل شدن به یک حزب سیاسی است؟

خیر. با این حال، هر مرحله در مورد مقاومت به رویکرد متفاوتی نیاز دارد. حزب الله همچنان به مقاومت متعهد است و مقابله با هرگونه تجاوز اسرائیل را حق لبنان می داند. اما این مرحله کنونی، با توجه به ماهیت منحصربه فرد آن و تغییراتی که رخ داده، شاید رویکرد متفاوتی را بطلبد. به عنوان مثال، یکی از مهم ترین تحولات مرحله کنونی این بود که دولت لبنان برای مدیریت اوضاع در برابر دشمن اسرائیلی پیش قدم شد و حزب الله این نقش دولت را پذیرفت و به دولت این فرصت را داد تا با دشمن اسرائیلی، اوضاع را در اختیار بگیرد. این بدان معنا نیست که حزب الله دیگر به نقش خود به عنوان یک گروه مقاومت متعهد نیست.

سوال واضح تر که همه می خواهند پاسخ آن را بدانند، مسئله تسلیحات است. زیرا این برداشت وجود دارد که توافق آتش بس به طور ضمنی شامل خلع سلاح شدن حزب الله می شود؟

گفتم که قطعنامه ۱۷۰۱ از نظر جغرافیایی به جنوب رود لیتانی اشاره دارد. اکنون در مورد شمال رودخانه لیتانی در سند اجرایی آمده است که هیچ سلاحی قابل واردات و توزیع نیست.

ما از دولت لبنان می خواهیم که نقش خود را به طور کامل در مورد کنترل اوضاع در مرزها ایفا کند. ما در این زمینه مشکلی نداریم، اما هر چیزی که به مقاومت در شمال رود لیتانی مربوط می شود، به نظر ما یک موضوع حاکمیتی است که مربوط به دولت لبنان است و حزب الله از دولت می خواهد که در مورد وضعیت شمال لیتانی به تفاهم برسد.

پس شما درخواست رئیس جمهور لبنان ژوزف عون برای رسیدگی به موضوع تسلیحات حزب الله از طریق گفت و گو را مثبت می بینید؟

این مسئله با آنچه حزب الله می خواهد سازگار است.

آیا باید در مورد تسلیحات به تفاهم رسید، آیا حزب الله آماده است تا از نظر نظامی در دولت ادغام شود؟

هنوز زود است که درباره این مسائل صحبت کنیم. یکسری مسائل وجود دارد که در هم تنیده شده اند. این موضوع به خودی خود قابل حل نیست، بلکه باید به طور کلی با آن برخورد کرد. وقتی من این را می گویم، به این معنی است که ابتدا باید مطمئن شویم دولت می تواند نقش خود را در دفاع از سرزمین و مردم لبنان ایفا کند.

اسرائیل هنوز پنج نقطه از جنوب لبنان را در اشغال خود دارد. اگر دولت در رسیدگی به این موضوع کوتاهی کند، حزب الله چگونه با این



تعداد بسیار کم

علی فیاض نماینده حزب الله در پارلمان از تغییرات

از رهبر محوری به

جنبش حزب الله لبنان با از دست دادن بسیاری از رهبران ارشد خود در جنگ خود با اسرائیل، با دوران چالش برانگیز و بی سابقه ای روبه رو است. وقایع رخ داده در سوریه نیز خسارت های تحمیل شده به حزب الله را بیشتر کرد. حزب الله نه تنها با سقوط خاندان اسد، مسیر اصلی ترانزیتی خود را برای تأمین تسلیحات از دست داد، بلکه اکنون باید با واقعیت روی کار آمدن رهبری جدید در دمشق که وابسته به همان گروه های سنی تندرویی است که حزب الله در حمایت از اسد با آنها مبارزه کرده بود، کنار بیاید. با این حال، مراسم تشییع جنازه دبیرکل سابق حزب الله، سیدحسن نصرالله، یادآوری آشکاری بود که نشان داد این سازمان همچنان از حمایت عمومی گسترده ای برخوردار است. این راهپیمایی یکی از بزرگترین رویدادهای تاریخ لبنان بود که صدها هزار نفر از مردم عازدار را به خیابان ها کشاند. پس از

موضوع برخورد خواهد کرد؟

ما این مرحله - مرحله اجرای اقدامات قطعنامه ۱۷۰۱ - را بر عهده دولت می دانیم و وضعیت را از نزدیک دنبال می کنیم. هنگامی که دولت به بن بست می رسد، ما از آن می خواهیم که وضعیت را ارزیابی کند و فرصت ها را شناسایی کند و به دنبال گزینه هایی باشد که قلمرو را آزاد می کند. اما به هر حال قرار گرفتن اسرائیلی ها در پنج نقطه لبنان چیزی است که ما آن را اشغال می دانیم و این مسئله به لبنان این حق را می دهد که از همه ابزارهای ممکن برای آزادسازی این سرزمین های اشغالی استفاده کند. این دقیقاً همان موضع رسمی لبنان است. زیرا این موضوع رسمی دولت لبنان پس از دیدار رهبران سه قوه (رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس مجلس) در کاخ ریاست جمهوری لبنان است. زمانی که اسرائیلی ها اعلام کردند که در سرزمین های لبنان می مانند، رهبران سه قوه با یکدیگر دیدار کردند و بیانیه بسیار مهمی صادر کردند و اعلام کردند که حضور اسرائیل در این منطقه اشغالی است و لبنان حق دارد از همه ابزارهای ممکن برای آزادسازی این مناطق استفاده کند.

تکمیل ابزار ممکن؛ آیا این شامل مقاومت مسلحانه می شود؟
اصطلاح «تمام ابزار ممکن» که سال ها در توافقنامه طائف و در بیانیه های کابینه گنجانده شده بود و در بیانیه ریاست جمهوری مجدداً مطرح شد، به معنای ابزارهای دیپلماتیک و غیردیپلماتیک است.

آیا در نظر گرفتن اینکه ما می دانیم چه اتفاقی

برای هوایمماهای ایرانی افتاد (مقامات ارشد لبنان تصمیم گرفتند پروازهای مستقیم بین تهران و بیروت را پس از تهدیدات اسرائیل برای مدت نامعلومی متوقف کنند، احساس می کنیم که نوعی خوش بینی نسبت به این دولت وجود دارد) آیا با توجه به آنچه اتفاق افتاده هنوز خوشبین هستیم؟

ما فکر می کنیم که این دولت لبنان شایسته این است که به او فرصت داده شود تا خود را ثابت کند و نشان دهد که می تواند به وعده ای که در مانیفست کابینه داده شده است عمل کند. دولت اعلام کرده اولویتش آزادی سرزمین و دفاع از مردم است. همچنین اعلام کرده که این نقش اصلی دولت است، و حاکمیت دولت بدون توانایی محافظت از مردم و سرزمین لبنان، هیچ معنایی ندارد. نکته دوم اینکه این دولت وعده نجات، اصلاح و بازسازی کشور را داد و ما کاملاً آماده همکاری در هر دو موضوع هستیم.

حزب الله به نقش آمریکا، به ویژه دولت ترامپ، چگونه نگاه می کند؟ نماینده آمریکا (مورگان اورنگس معاون نماینده آمریکا در خاورمیانه) گفت حزب الله شکست خورده است و باید از دولت کنار گذاشته شود. موضع شما در قبال این اظهارات و به طور کلی دولت ترامپ چیست؟

این موضع گیری ها غیرمستولانه است و مداخله در امور داخلی لبنان به حساب می آید. علاوه بر اینکه حساسیت ها و مبانی ظریفی را که ثبات سیاسی لبنان بر آن استوار است را در نظر نمی گیرد. آنها بیش از آنچه